

ملت



کامبیز نوروزی

حقوق‌دان

حمله تجاوزکارانه اسرائیل، دوگانه مهمی را روشن‌تر از همیشه آشکار کرد که درباره نوع استفاده از واژه‌های ملت و مردم استفاده می‌کردند، با شروع تجاوز به ایران، سایر مقامات هم بسیار بیش از گذشته واژه ملت و ملت ایران را به کار بردند؛ ملت را ارج نهادند و به دفاع و ایستادگی خواندند. سخنان درست و برحقى است، اما این ملت که در زمان جنگ چنین ارج و منزلتی می‌یابد، در زمان‌های دیگر کجاست؟ نظام کزینشی ادارات و سازمان‌های عمومی چنان به سختی رفتار می‌کنند که خیلی از آحاد ملت از فیلتر تنگ آن نمی‌گذرند. دانشجویان و استادانی که با رعایت قانون، منتقد سیاست‌های جاری هستند، با خطرهایی همچون اخراج، تعلیق و اتمال آن روبه‌رو می‌شوند. بخش بزرگی از ملت در صداوسیما جایی ندارد. چیزی نشان نمی‌دهد. فیلترینگ ملت را از دسترسی به منابع اطلاعات محروم کرده است. این فهرست می‌تواند ادامه داشته باشد. ملتی که در شرایط جنگ چنین محترم شمرده شده و ارج گذاشته می‌شود، در شرایط عادى کجاست؟ ملتی که به موجب اصل پنجاه‌وششم قانون، صاحب حق حاکمیت است و سرزمین متعلق به اوست، چه جایگاهی در نظام دارد؟

۲- بخش بزرگی از جریان اپوزیسیون برانداز، آشکارا از تجاوز اسرائیل به ایران شادمان است. آنها به این می‌اندیشند که زیر سایه بمب‌های اسرائیل بایند و قدرت را به دست بگیرند. آنها که اغلب در خارج و در امنیت کامل زندگی می‌کنند، درواقع به ادعای نجات ملت ایران است که از ویرانی سرزمین و کشتار ملت حمایت می‌کنند و تجاوز نظامی اسرائیل را مشروع و درست می‌دانند.

اینها منکر فضیلت برتری به نام حفظ سرزمین از تجاوز بیگانه‌اند که در هر کشوری یک وظیفه ملی است. در تمام کشورها همکاری و همراهی با متجاوز به سرزمین ردیلتی ناپخشودنی و شایسته شدیدترین سزاهای اخلاقی و کیفرهای قانونی است و چنین کسانی را خائن می‌نامند. اما...

ملت و میهن دو مفهوم منطبق بر یکدیگر هستند. وقتی کسی به سرزمین تجاوز می‌کند، بالطبع به ملت آن سرزمین تجاوز کرده است. وقتی دزد به خانه می‌زند، فقط به خانه نیست که تجاوز کرده است، اعضای آن خانه نیز قربانی تجاوز هستند. واژه ملت دربرگیرنده یک مفهوم تاریخی است. ملت برساخته یک تاریخ است. آنها شعار ایران می‌دهند ولی از متجاوز حیایت‌پیشه‌ای که به قلمرو سرزمین ایران حمله آورده است، حمایت می‌کنند. شعار ملت می‌دهند ولی برای کسی که به سرزمین حمله می‌کند و کشتار می‌کند، دست می‌زنند و سوت می‌کشند. سخیف‌تر و مضحک‌تر سخن کسانی است که می‌گویند این جنگ ملی و میهنی نیست. پس اسرائیل به چه چیز حمله کرده است؟ نتیجه‌فاجعه‌بار این دیدگاه آن است که سرزمین نه متعلق به ملت، بلکه متعلق به حکومت‌هاست. یعنی این دیدگاه عملا از ملت خلع پی می‌کند.

این دسته هم ملت را فقط ابزاری می‌بیند که با قربانی‌کردنش به پشتوانه جنگ‌افروز متجاوز به قدرت برسد. سرزمین ویران شود برای رسیدن به قدرت به کمک بیگانه تجاوزگر.

تاسف‌بار است که نزد هر دو گروه، ملت به مفهومی موقت بدل شده است که حضور و منزلت او در یک جدول زمانبندی قرار دارد. در وقت تنگی و عسرت و خطر و مرگ و ویرانی، ملت محترم است و باید حضور داشته باشد؛ در سایر اوقات نیازی به ملت نیست و بهتر است نباشد. احترام کلامی دارد ولی جایی برای او وجود ندارد.

با آن‌ها که در همراهی با متجاوز بیگانه از جنگ و تجاوز به سرزمین و ملت حمایت می‌کنند، سخنی نیست. روی سخن با دولتمردان است. ملت را ملت موقت نکند. ضروری است کارگزاران نظام در بخش‌های مختلف نیز از این نگاه پیروی کنند و ملت را چنان که ملت هست، ببینند. ملت را نه‌فقط در جنگ و سختی که در آرامش و صلح هم ملت بدانید. آنگاه خواهید دید ملتی که چنین از تجاوز بیگانه منجر است و می‌ایستد، چگونه ایران را به صلح، پیشرفت و ترقی می‌رساند.

چهارشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۴
۶ محرم ۱۴۴۷
۲ جولای ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۴۷
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه



در «شرق» امروز می‌خوانید:
 بازخوانی سفر پزشکیان به اجلاس اکو؛ آیا پیام تهران به باکو شنیده خواهد شد؟
 • کنترل از راه دور آقای شجاع
 • نگاهی به روایت شکست در آثار بهاء طاهر؛ تاریخ و تروما

«شرق» تضمین عدم تجاوز مجدد نظامی به عنوان شرط ایران برای مذاکره با آمریکا را واکاوی می‌کند

مذاکرات مشروط؟!!

گفت‌وگو با نصیر حیدریان، رهبر ارکستر سمفونیک تهران

نغمه‌هایی برای ایران از جبهه تا میدان آزادی



این گزارش در صفحه ۱۲خبراندیشی‌اس‌اس‌اچ‌اچالی‌ایران

یادداشت

درس‌های جنگ تحمیلی ۱۲روزه



حسن رنجبر

کارشناس سیاست و حقوق بین‌الملل

راه بینداز! گرچه اسرائیل در عرصه نظامی خود را پیروز می‌داند، اما موجی از مخالفت افکار عمومی در جهان را علیه خود به راه انداخته و رهبران آن از سبوی دیوان‌گیری بین‌المللی متهم به جنایات جنگی و نسل‌کشی تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. نسل‌کشی و جنایات جنگی در غزه در حالی ادامه دارد که آمریکا در حمایت از اسرائیل، دیوان‌گیری بین‌المللی که حکم جلب تانیاهو را صادر کرده، تحریم کرده است. آنچه گفته شد و بسیاری موضوعات دیگر، برای هر کارشناس آگاه بوی جنگ می‌داد. سؤال اینجاست که چرا دستگاه دیپلماسی

یادداشت

تنهایی ایران وفرصت رؤیای ملی ایرانیان



رضا دژگاه

کارآفرین و دکترای فلسفه

روزگاری مارکوس اورلیوس می‌گفت «زندگی هنرمندانه بیشتر شبیه کشتی‌گرفتن است تا رقصیدن؛ چون زندگی هنرمندانه در گرو آمادگی برای ایستادن مقابل حمله‌های ناگهانی و غیرمنتظره است». این عبارت به خوبی توصیف‌کننده تجربه جمعی ملتی است که در این ۱۲ روز، با وجود تمامی فشارها و خطرها، نه‌تنها ایستاد، بلکه توانست شکل دیگری از زیستن را تجربه کند. در این شرایط نیز هنوز افق رؤیاپردازی بسته نشده است. به یاد یاوریم حرف‌های دختری که با چشمانی اشک‌بار، در میانه‌های جنگ، رو به دوربین می‌گوید: «من افتخار می‌کنم که ایرانی‌ام». باری جنگ تمام شد، اما رؤیای ایرانی همچنان زنده است. رؤیایی که دیگر تنها معطوف به بقا نبوده، بلکه باید معطوف به ساختن، بازسازی و توسعه در همه جنبه‌ها شود.

توصیف زمینه‌ای (Context)

۱- ایران در این جنگ از کمبود یک متحد استراتژیک رنج برد. چنان‌که متفکران علم سیاست بارها گفته‌اند، کشورها دوست و دشمن دائمی در عرصه بین‌المللی ندارند، بلکه منافع آنها در موقعیت‌های تاریخی است که دوست و دشمن را مشخص می‌کند. این اصل در سیاست بین‌الملل، در رابطه با کشور ما، پیچیدگی‌های بیشتری نیز می‌یابد. محی‌الدین مصباحی در کتاب «تنهایی استراتژیک ایران» اشاره می‌کند که ایران از روی ناچاری تنهاست و به همین دلیل از هرگونه اتحاد معنادار با قدرت‌های بزرگ محروم است.

۲- ایرانیان در طول تاریخ نشان داده‌اند که در موضع عافیت، عموماً رفتاری نسبتاً غیرواقع‌گرا بروز می‌دهند، اما در دل بحران‌ها رویکردی واقع‌گرا‌تر و معطوف به عقل‌گرایی پیش می‌گیرند.

۳- ارتباط شبکه ایرانیان به مدد رسانه‌های جدید بیشتر شده و تهران به‌عنوان پایتخت و قلب پتیده ایران، عملاً نماینده‌ای از زیست مردم ایران با قومیت‌های متفاوت است. به نظر می‌رسد پلتفرم ایرانیان برای نیل به توسعه و رؤیای

مشترک شکل گرفته است.

۴- این جنگ تحمیلی بیش از پیش اهمیت دکترین امنیت ملی و مباحثه در مورد آن را برجسته کرد. در فرهنگ‌های شرقی مانند چین و روسیه، جمع‌گرایی و حفظ انسجام و اقتدار ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت بیشتری نسبت به حقوق فردی دارد و فداشن یک یا حتی گروهی از شهروندان برای حفظ امنیت کلان، امری قابل قبول تلقی می‌شود. در مقابل، جوامع غربی بر پایه فردگرایی، ارزش‌های اومانیستی و حقوق بشر بنا شده‌اند و جان هر فرد حتی در شرایط جنگی دارای اهمیت بالایی است.

خطرات پیش‌روی ایران

چندین خطر عمده در شرایط کنونی وجود دارد که به گمان نگارنده باید به آنها حساس بود:

سخنگوی دولت با وجود بی‌اطمینانی به طرف مقابل بر لزوم گفت‌وگو تأکید کرد:

مسیر مذاکرات

را ترک نمی‌کنیم

۲

برگزیده‌ها

اما و اگرهای توافقی که اسرائیل به آن دل بسته است

سکوت جولانی درباره جولان

تحلیل رفتار قیمت طلا در مواجهه با جنگ‌ها، تورم و سیاست‌های پولی (۱۹۷۳–۲۰۲۵)

طلای جهانی در بزنگاه بحران خاورمیانه



گفت‌وگو با «مریم شمس» از ساعت‌های وحشت زیر آوارو لحظات از دست دادن خواهرش «زهررا»

دیگر هیچ چیز مثل قبل نمی‌شود

۱۰

نگاه

دل‌های آتشین، مغزهای سرد

درس‌هایی از قلب گوگل برای ما

یادداشتی از ایمان رحمتی‌زاده

۷

یادداشت

حبس در چهار دیواری

غفلت از پدافند غیرعامل در فضای شهری



علی اعطا

عضویت‌رئیس‌ه شورای پنجم‌پایتخت

تجربه نشان داده است که پس از هر واقعه و حادثه، مدتی به‌صراحت تغییر یا اصلاح برخی رویه‌های آسیبنزا و ناکارآمد افتاده‌ایم. اما پس از مدتی فراموشی و نسیان غلبه کرده و فکر تغییر و اصلاح را از سر بیرون رانده‌ایم. از آن جمله، در چند سال اخیر هر زمان به نوعی تهدید زلزله درباره تهران مطرح شده است، تا مدتی، به دلیل نگرانی و پریشانی، تصمیم بر اصلاح رویه مالوف در ساختمان‌سازی و مدیریت شهری گرفته‌ایم؛ اما باز با گذشت زمان، در بر همان پاشنه چرخیده است که پیش‌تر می‌چرخید. جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی، از جمله حوادث ناخواسته‌ای است که باید آنان را که دستی بر آتش سیاست‌گذاری در حوزه شهری دارند، به تجدیدنظر اساسی در بسیاری از رویه‌ها وا دارد. تردید داشتیم در این‌ایام که به نظر برخی کارشناسان سیاسی، تهدید و سایه شوم حملات تجاوزگرانه همچنان بر سر ما سنگینی می‌کند؛ سخن‌گفتن از اصلاح رویه‌هایی که صرفاً در بلندمدت قابل اصلاح خواهند بود، چقدر بجا و دارای معناست. اما در نهایت، تردیده‌ها را به کناری گذاشتیم و تصمیم گرفتیم نکاتی در عرصه سیاست‌گذاری شهری و نقد و تحلیل برخی موضوعات را سوزه یادداشت‌های گاه و بگاه کنیم. از جمله تعبیری که در ایام اخیر شنیده‌ایم، عبارات پدافند غیرعامل و مدیریت بحران است؛ دو اصطلاح و مفهوم وابسته. پدافند غیرعامل عموماً بر مراحل پیش از بحران و مسائلی نظیر کاهش آسیب‌پذیری و بازدارندگی تمرکز دارد، درحالی‌که مدیریت بحران، چنان‌که پیاداست بر زمان بحران و پس از آن نظر دارد. در حوزه شهر، شهرسازی و ساختمان، طی ماه‌ها و سال‌ها باید آمادگی حاصل کرد تا در مقطع بحران و مواجهه با تهدیداتی همچون جنگ، حادثر بازدارندگی، حداقل آسیب‌پذیری، ارتقای پایداری در سطح ملی و کلان، تداوم فعالیت‌های ضروری و تسهیل مدیریت بحران را شاهد باشیم.

۳۳
ادامه‌در صفحه ۸

۳۳
ادامه‌در صفحه ۵